

## آریل شارون جلاد مردم فلسطین



آریل شارون نخست وزیر اسبق اسرائیل، پس از حدود ۸ سال بیهوشی ناشی از سکته مغزی، در تاریخ ۱۱ ژانویه درگذشت. خبرگزاریها، جراید و مطبوعات بورژوازی جهان غرب، از او و "زحماتش" برای تشکیل دولت اسرائیل نوشته و از او بعنوان کسی که در شرایط سخت سیاسی بدنیاال راه حل صلح آمیز با رهبران فلسطینی بود ستایش کردند. در همین راستا رهبران کشورهای سرمایه‌داری غرب که همیشه از سیاستهای اسرائیل دفاع

کرده و می‌کنند بدون اشاره به جنایات او در حق مردم فلسطین او را یک نظامی کبیر خوانده و از او به نیکی یاد کردند. واقعیت این است که هیچ یک از این مجیزگویان از اینکه چگونه دولت اسرائیل بر گور هزاران فلسطینی ساخته شده و چرا خون هزاران فلسطینی ریخته شد و چرا آریل شارون این همه جنایت کرد سخن نمی‌گویند زیرا خود به خوبی میدانند تاریخ اسرائیل و زندگی و جنایات آریل شارون دو جزء جدایی ناپذیرند و جنایات آریل شارون در پیوند با تاریخ پدید آمدن و سلطه اسرائیل شکل گرفته است.

آریل شارون از جمله کسانی بوده که در تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نقش داشته و از همان آغاز در فجایع جنایتکارانه رژیم صهیونیستی بر علیه خلق فلسطین فعالانه شرکت داشته است. صهیونیستهای تشکیل دهنده دولت اسرائیل از همان آغاز (نوامبر ۱۹۴۷ تا ماه می ۱۹۴۸) برای نشان دادن "توانایی" خود به چنان اعمال وحشیانه در حق مردم فلسطین توسل جستند که توده‌های فلسطینی نام آن دوره را ال نکهة (نکبت - مصیبت) گذاشته‌اند. و شارون یکی از جانپان و نکبت های وحشی این دوره بود.

پیش از تشکیل دولت اسرائیل، یهودی‌ها که سالها تحت ستم بودند و به خصوص در جریان کشتارهای ددمنشانه نازیها دسته دسته در اروپا به قتل رسیده بودند تحت تبلیغات فریبنده صهیونیستها مبنی بر "سرزمین بدون مردم برای مردم بدون سرزمین" به فلسطین روی آوردند تا به افسانه "سرزمین موعود" دست یابند. ولی فلسطین یک سرزمین خالی از سکنه نبود و یهودیان مهاجر فقط یک سوم جمعیت آن سرزمین را تشکیل میدادند، پس صهیونیستها و دولت تازه تشکیل شده اسرائیل برای جلب یهودیان دنیا و برای حقیقت جلوه دادن چنین شعارهای دست به جنایت زده و با یک طرح همه جانبه، در طی چند ماه با خشونت و قتل عام، ۴۰۰ روستا و شهر را از سکنه خالی ساخته و نزدیک به یک میلیون نفر را از سرزمینشان راندند.

بنابراین شرط وجود چنین دولتی راندن بومیان اصلی سرزمینی است که هزاران سال در آن زندگی کرده بودند و این راندن به جز با ادامه جنگ بر علیه مردم ستمدیده فلسطین میسر نبوده و نیست. غارت و تجاوز بر علیه خلق فلسطین و بنای خانه‌های مسکونی برای یهودیان در سرزمین آنها و ایجاد دیوارهایی که روستاهای فلسطینی را از هم جدا کرده و ارتباط توده‌ها با همدیگر را مشکل می‌سازد هنوز از افسانه بودن "سرزمین موعود" سخن می‌گوید ولی دولت اسرائیل نمیتواند غیر از این عمل کند و تمام این جنایات توسط دولتی انجام میشود که در مطبوعات غرب و همچنین به وسیله خودفروخته‌گان امپریالیستهای غربی، "دموکرات" نامیده و خوانده میشود. این "سرزمین" وعده داده شده به یهودیان توسط قدرتمندان دنیا در پناه جنایاتی است که آنها بر علیه خلق فلسطین میکنند. جنایاتی که آریل شارون یکی از مجریان آن بود.

وقتی که صهیونیستها در سال ۱۹۴۸ یک واحد شبه نظامی بنام "هاگانا" تشکیل دادند آریل شارون بیست سال بیشتر نداشت اما عضو فعال همین واحد تروریستی بود. این واحد نظامی مسئول قتل ۲۰۰ غیر نظامی در روستای الطنطوره و ۶۹ نفر در روستای قبه هستند. در این دوره بود که طرح دالت (Plan Dalet) توسط او انجام شد. طرح دالت (Plan Dalet) یک طرح نظامی بود که بطور سیستماتیک دست به عملیات تروریستی بر علیه توده‌های فلسطینی زد، و ده‌ها هزار غیرنظامی فلسطینی را در برابر این دو انتخاب قرار می‌داد که یا در عرض

یک ساعت خانه و روستاهای خود را ترک کرده و با اعدام شوند. و در بعضی روستاها حتی این حق انتخاب هم داده نشده و مردان را جدا کرده و آنها را در مقابل زن و فرزندانشان تیرباران کردند. در این طرح طبق اسناد بایگانی ارتش اسرائیل، آریل شارون چنین گفته بود "هر عربی را که دیدید بکشید، هر چیز سوختنی را بسوزانید و همه خانه‌ها را منفجر کنید"، و آنها نیز چنین کردند. در پی انجام طرح دالت در این مدت، نزدیک به یک میلیون فلسطینی از سرزمین خود رانده و به قرارگاه‌هایی فرستاده شدند که تا امروز نسل بعدی آنها نیز در آن زندگی میکنند.

تمام این جنایات از همان آغاز در مقابل چشم جهانیان رخ داد و هنوز کسی آنها را فراموش نکرده است. و براستی چگونه می توان قتل عامی که در آوریل ۱۹۴۸ در روستای دیر یاسین (Deir Yassin) شد را فراموش نمود. ولی دیر یاسین یک استثنا نبود، در طنطوره و قبیه، دوایمه (Dawaymeh)، کبری (Kabri)، ام الفرج (Um al-Faraj)، نحر (Nahr)، سمیرییه (Simirayya)، زیب (Zib)، بسا (Bassa) که از جمله ۵۳۱ روستایی هستند که افرادی انتخاب شده و تیرباران شدند، در همه این روستاها جانپان اسرائیلی قتل عامی نظیر دیر یاسین انجام دادند و سایرین را از روستاهای خود راندند.

آریل شارون همیشه ادعا میکرد که هدف او از جنگ بر علیه فلسطینی‌ها "نابودی تروریسم سازمان یافته" است ولی حقیقت چیز دیگری بود چرا که دولت اسرائیل از بدو تشکیل و تا امروز خود بر "ترور سازمان یافته" متکی بوده است. جنگ و غارت زمین و اموال فلسطینی‌ها و ترور طبق نقشه مردم غیر نظامی، سیاست همیشگی این دولت بوده است. البته مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستها همواره به دفاع از دولت اسرائیل برخاسته و هنوز چنین تبلیغ میکنند که این کشورهای عربی منطقه همچون سوریه، اردن و مصر هستند که قراردادهای سازمان ملل را برسمیت نشناخته و ارتش‌های خود را برای حمله به یهودیان مجهز ساخته‌اند، و بدلیل چنین "تهدیدی" است که یهودیان مجبوراند که با تمام قیمت از جان خود دفاع کنند. چنین تبلیغات فریبکارانه‌ای ۶۵ سال است در مطبوعات بوزاری غرب منعکس میشود و دولتهای آنها از تمام جنایات اسرائیل پشتیبانی میکنند در حالیکه در واقعیت تمام دولتهای عربی منطقه به خلق فلسطین پشت کرده و فلسطینی‌ها سخت‌ترین شرایط زندگی در آوارگی و پناهندگی در کشورهای همسایه را دارند.

قتل عام قبیه<sup>(۱)</sup> و طنطوره<sup>(۲)</sup> یکی از اولین اقدامات جنایتکارانه آریل شارون می باشد که ماهیت دولت اسرائیل را بعنوان یک دولت اشغالگر و این که صهیونیستها چگونه با فلسطینی‌ها رفتار میکنند را آشکار کرده بود، و امروز نیز نشان داده می شود که علیرغم شعارهای سیاسی حزب کارگر حاکم وقت در اسرائیل، چگونه دولت صهیونیست به افرادی چون آریل شارون وابسته است. اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ با طرح آریل شارون و توسط او با موافقت امپریالیسم آمریکا انجام شد که مناهیم بگین نخست وزیر وقت اسرائیل آنرا "راه حل نهایی" برای ایجاد اسرائیل خواند. در این دوره یکی از فجیع ترین اعمال آریل شارون حمله وحشیانه به اردوگاه صیرا و شتیلا، دو قرارگاه پناهندگان فلسطینی بود که طی آن ۱۵۰۰ غیرنظامی توسط فالانژیستهای مسیحی با پشتیبانی ارتش اسرائیل و شخص آریل شارون کشته شدند. حمله اسرائیل با وجود جنایتکارانی چون شارون به لبنان، باعث شد که بیروت برای ۶ ماه اشغال گردد. این حمله ۱۹ هزار کشته (آنهاپی که در گورهای دسته جمعی دفن شدند به حساب نیامده‌اند) و ۳۰ هزار زخمی لبنانی بجای گذاشت. هر چند دولت آمریکا از این حمله اظهار تاسف کرده بود ولی همزمان صادرات اسلحه این کشور به اسرائیل ۵۰ درصد افزایش یافته بود. واقعیتی که نشان می دهند وقتیکه در سال ۱۹۵۱ روز نامه هآرتز (Haaretz) نوشت که "اسرائیل به سگ نگهبان تبدیل می‌شود" نادرست ننوشته و اسرائیل از بدو تولد سگ زنجیری امپریالیسم بوده است.

از خدمات دیگر آریل شارون به امپریالیسم آمریکا که به نمایندگی از طرف دولت اسرائیل انجام میشد، مسلح کردن تمام شبه نظامیان آمریکای جنوبی بود که با سازمانهای کمونیستی می‌جنگیدند که جنگ بر علیه ساندینیستهای نیکاراگوئه از همه مشهورتر است. تمام رهبران دولت اسرائیل همچون آریل شارون که به قدرت رسیده‌اند همه در خدمت امپریالیسم آمریکا و علیه خلق فلسطین بوده‌اند، آنها برای حفظ سیستم امپریالیستی، که همراه با سرکوب و جنایت است بقدرت میرسند. گدا مایرها، موشه دایان‌ها و..... همچون مهره های طبقه حاکمه و امپریالیستها به میدان می‌آیند و به همین دلیل هم پس از مرگشان مورد ستایش قرار می گیرند. همانگونه که امروز رسانه های امپریالیستی به ستایش آریل شارون جلاد خلق فلسطین برخاسته اند و یکی از پدران تروریسم را مورد تمجید خود قرار داده و او را تجلیل می کنند.

۱- واحد نظامی آریل شارون در اکتبر ۱۹۵۳ به روستای قبیّه (Qibya) در ساحل غربی حمله کرده و همه ساکنان این روستا را کشته و خانه‌ها را منفجر کردند.

۲- یک هفته بعد از اعلام تشکیل دولت اسرائیل، واحد نظامی تحت فرماندهی آریل شارون در شب ۲۲ ماه می به روستای طنطوره (Al-Tantura) حمله کرده و فاجعه "قتل عام طنطوره" را آفریدند. در این قتل عام همه جمعیت روستا یعنی ۱۵۰۰ نفر را کشته و خانه‌ها را سوزاندند.